

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سکات ریتر، کنسرسیوم نیوز، ۵ دسمبر ۲۰۲۰
برگردان: طلحه حسنی
۱۷ فیروزی ۲۰۲۳

مرکل نقشه غرب را رو کرد

ظاهراً، جنگ، از روز اول تنها انتخاب دشمنان روسیه بوده است.



اظهارات اخیر آنجلا مرکل، صدراعظم سابق المان، بازی ریاکارانه المان، فرانسه، اوکراین و ایالات متحده را که پیش از حمله روسیه به اوکراین در فیروزی انجام دادند، بر ملا کرد. در حالی که به اصطلاح «مجموع غرب» (ایالات متحده، ناتو، اتحادیه اروپا و G7) همچنان ادعا می‌کنند که حمله روسیه به اوکراین یک «تجاوز تحریک‌نشده» بود، واقعیت بسیار متفاوت است: روسیه را فریب داده بودند تا باور کند برای خوشنودی که پس از کودتای میدان سال ۲۰۱۴ در کیف با پشتیبانی ایالات متحده در منطقه دونباس در شرق اوکراین به راه انداخته بودند، راه حل دیپلماتیک وجود دارد.

اما در واقع، اوکراین و شرکای غربی آن تنها در پی ایجاد فرصتی بودند تا ناتو بتواند در اوکراین ارتشی بسازد که قادر به تصرف کامل دونباس و بیرون راندن روسیه از کریمه باشد.

مرکل هفته گذشته در مصاحبه‌ای با اشپیگل به توافق مونیخ در سال ۱۹۳۸ اشاره کرد. او تصمیم‌هایی را که نوئل چمبرلین، نخست‌وزیر سابق بریتانیا با توجه به المان نازی باید اتخاذ می‌کرد، با تصمیم خود برای مخالفت با عضویت اوکراین در ناتو که در اجلاس سال ۲۰۰۸ ناتو در بخارست مطرح شد، مقایسه کرد.

مرکل با خودداری از موافقت با عضویت اوکراین در ناتو و سپس با فشار بر توافق مینسک، بر این باور بود که در پی فراهم کردن فرصتی برای اوکراین است تا بتواند خود را برای مقاومت در برابر حمله روسیه بهتر آماده سازد، همانطور که جمبرلین معتقد بود که برای بریتانیا و فرانسه زمانی را فراهم می‌سازد تا بتوانند قوای خود را در مقابل المان هیتلری جمع کنند.

این دریافت از نگاه به گذشته حیرت‌انگیز است. برای لحظه‌ای بر این واقعیت چشم ببندید که مرکل خطر رژیم نازی هیتلری را هم‌تراز تهدید روسیه و ولادیمیر پوتین قرار می‌دهد، بلکه به جای آن بر این واقعیت متمرکز شوید که مرکل می‌دانست که دعوت از اوکراین به ناتو محرک پاسخ نظامی روسیه خواهد بود.

مرکل به جای تلاش برای از میان برداشتن چنین احتمالی، سیاستی را دنبال کرد تا اوکراین قادر به مقاومت در برابر چنین حمله‌ای شود. بدین ترتیب، بنا بر ظواهر امر، جنگ تنها گزینه‌ای بود که مخالفان روسیه تا آن زمان در نظر داشتند.

پوتین: مینسک یک اشتباه بود

اظهارات مرکل در راستای همانی است که پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهور سابق اوکراین در ماه جون به چندین رسانه غربی گفت. پوروشنکو اعلام کرد: «هدف ما این بود که اولاً تهدید را متوقف کنیم یا حداقل جنگ را به تعویق بیندازیم – تضمینی هشت ساله برای احیای رشد اقتصادی و ایجاد نیروهای مسلح قدرتمند». پوروشنکو تصریح کرد که اوکراین پای میز مذاکره برای توافقنامه مینسک با حسن نیت نیامده بود.

این همان نتیجه‌ای است که پوتین هم به آن رسیده است. پوتین در دیدار اخیر خود با همسران و مادران سربازان روسی که در اوکراین می‌جنگند، از جمله چند بیوه سربازان کشته شده، اذعان کرد که موافقت با قرارداد مینسک اشتباه بود و مشکل دونباس می‌بایست همان زمان با زور حل می‌شد، به ویژه با توجه به اختیاری که در آن زمان دومای روسیه برای مجوز استفاده از نیروهای نظامی روسیه در «اوکراین» و نه فقط کریمه را به وی داده بود.

این درک دیر هنگام پوتین باید هشدار تکان‌دهنده‌ای برای همه کسانی باشد که در غرب بر اساس این خیالی‌بافی رفتار می‌کنند که هنوز به شکلی امکان مذاکره برای رسیدن به توافقی برای مناقشه روسیه و اوکراین وجود دارد. هیچ یک از طرفین دیپلماتیک روسیه، زمانی که پای نشان دادن تعهد واقعی به یک توافق صلح‌آمیز در برابر خشونت نژادی که از حوادث خونین فبروری ۲۰۱۴ میدان آغاز شد، کمترین صداقتی از خود نشان نداده‌اند. حوادثی که طی آن رئیس‌جمهور منتخب و مورد تأیید سازمان برای امنیت و همکاری اروپا را برکنار کردند.

پاسخ به مقاومت

زمانی که روسی‌زبانان در دونباس با مقاومت در برابر کودتا و دفاع از انتخابات دموکراتیک خود، استقلال خود از اوکراین را اعلام کردند، پاسخ رژیم کودتائی کی‌یف، دست زدن به یک حمله نظامی وحشیانه هشت ساله علیه آنها بود که هزاران غیرنظامی کشته شدند. پوتین هشت سال صبر کرد تا استقلال آنها را به رسمیت بشناسد و سپس در فبروری به دونباس حمله کرد.

پیش از این او انتظار داشت تا توافقنامه مینسک که توسط المان و فرانسه تضمین و به اتفاق آراء توسط شورای امنیت ملل متحد (از جمله ایالات متحده آمریکا) تأیید شده بود، با دادن خودمختاری به دونباس در حالی که بخشی از اوکراین

باقی می‌ماند، بحران را حل نماید. اما کی‌یف هرگز این توافق‌ها را اجراء نکرد و هرگز هم از طرف غرب برای انجام آن زیر هیچ فشاری قرار نگرفت.

پشت‌کردنی که غرب [علیه روسیه] از خود نشان داد به معنای فروپاشی ستون‌های مشروعیت آنها بود - از ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا (که به گفته روسیه، برخی از آنها اطلاعات نیروهای جدائی‌طلب روسیه را برای هدف‌گیری به ارتش اوکراین می‌دادند) گرفته تا دوگانه آلمان و فرانسه در فرمت نرم‌اندی* که متعهد به حصول اطمینان از اجرای توافقنامه مینسک بودند؛ تا ایالات متحده، با کمک خودخوانده نظامی «دفاعی» به اوکراین از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲، [همه این‌ها] چیزی بیش از گرگی در لباس گوسفند بود. همه این واقعیات تلخ نشان می‌دهند که هرگز قرار نبوده یک حل و فصل مسالمت‌آمیز برای مسائل اصلی درگیری روسیه و اوکراین وجود داشته باشد. و هرگز وجود نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد جنگ [همان] راه حلی است که «مجموع غرب» به دنبال آن بود و جنگ راه حلی است که امروز روسیه به دنبال آن است.

باد بکار، طوفان درو کن.

بدین ترتیب [باید گفت]، مرکل در اشاره به توافقنامه ۱۹۳۸ مونیخ، به عنوان پیش‌زمینه وضعیت امروز اوکراین اشتباه نکرد. تنها تفاوت اینجاست که این بار آلمانی‌های سخاوتمند به دنبال جلوگیری از روس‌های خونریز نبودند، بلکه آلمانی‌های ریاکار (و سایر غربی‌ها) قصد فریب دادن روس‌های ساده‌لوح را داشتند. این نه برای آلمان، نه برای اوکراین و نه برای هیچ یک از کسانی که خود را زیر عبای دیپلماسی پنهان کرده‌اند، عاقبت خوبی نخواهد داشت، همه آنانی که تلاش می‌کنند تا شمشیری را که پشت سر خود نگه داشته‌اند از دیدگان مردم پنهان سازند.

* - فرمت نرم‌اندی که به نام «گروه تماس نرم‌اندی» هم شناخته می‌شود، شامل کشورهای است که برای حل و فصل جنگ در دنباس و جنگ گسترده میان روسیه و اوکراین گرد هم آمدند. چهار کشوری که این گروه را تشکیل می‌دهند، آلمان، روسیه، اوکراین و فرانسه، برای اولین بار در نرم‌اندی فرانسه، به صورت غیررسمی باهم ملاقات کردند.

دانش و امید، شماره ۱۵، دی-جدی-۱۴۰۱